

3610

د

۱

۱۵۸

آ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

کیمیاء گر

پائولو کوئیلو

مترجم: زهرا نیک کار

سرشناسه : کوئیلو، پائولو، م - ۱۹۴۷
 یادداشت : فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا
 مشخصات نشر : قم: آوای بی صدا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۸ ص: ۲۲×۵/۱۴، ۲۲ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۲۶-۳۴-۳
 عنوان دیگر : The alchemist
 عنوان دیگر : کیمیاگر (انگلیسی)
 ترجمه عنوان : (الکمیست)
 موضوع : داستانهای بزرگ -- قرن ۲۰م
 مناسه افزوده : نیک کار، زهرا، ۱۳۷۶ -، مترجم
 رده بندی کنگره : PQ۹۶۹۸/ک۹ک۹ پ۱۳۸۴
 رده بندی دیویی : ۳۴/۸۶۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۶۱۳-۸۴م

کیمیاگر

پائولو کوئیلو

ناشر: آوای بی صدا

مترجم: زهرا نیک کار

تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۲۶-۳۴-۳

صفحه آرا: مهدی بیات

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش :

قم ، مجتمع ناشران ، واحد ۱/۱۰۴

۰۹۱۰۷۵۳۰۸۵۸ - ۰۹۱۲۷۴۶۶۸۷۶

تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - بن بست حقیقت - پلاک ۴ - واحد ۳

۰۹۳۵ ۵۲۲ ۹۲۳۸ ۰۲۱ ۶۶۴۱۴۰۴۹

.... فهرست مطالب

۷	 مقدمه:
۱۱	 سراغاز:
۱۳	 بخش اول:
۴۹	 بخش دوم:
۱۳۶	 ختم کلام:

مقدمه:

ده سال بعد

دریافت نامه ای از سوی ناشر امریکایی به نام هارپر کولینز را به یاد می آورم که بیان کرد:

"خواندن کتاب کیمیاگر درست مانند آن است که بسیار زود از خواب برخیزی و به تماشای طلوع آفتاب بنشینی در حالی که بقیه ی جهان هنوز در خواب عمیق هستند". من به بیرون رفتم و به آسمان بگریستم و با خودم اندیشیدم "پس این کتاب قرار است به انگلیسی منتشر شود". در آن زمان تلاش می کردم خودم را به عنوان نویسنده اثبات کنم و علی غم تمام اصواتی که به من می گفت این امر غیرممکن است، به روش خودم پیش بروم.

به تدریج رویای من در حال محقق شدن بود. ده، صد، هزار و میلیون ها کپی از این کتاب در امریکا به فروش رسید. یک روز روزنامه نگار بزرگی تماس گرفت تا بگوید از رئیس جمهور کلینتون در حال خواندن این کتاب عکس گرفته شده است. مدت زمانی بعد، هنگامی که در ترکیه بودم، مجله vanity fair را باز کردم و جولیا رابرت را دیدم که این کتاب را سفارش می داد. هنگامی که در میامی در یک خیابان قدم می زدم، صدای دختری را شنیدم که به مادرش می گفت: "باید کتاب کیمیاگر را بخوانی!"

این کتاب به پنجاه و شش زبان ترجمه شده، بیش از بیست میلیون نسخه از آن به فروش رفته، و افراد می پرسند: راز پنهان پشت این موفقیت عظیم در چیست؟

تنها پاسخ صادقانه این است: نمی دانم. تمام آن چیزی که می دانم این است که همه ما مانند سانتیاگو پسر جوان چوپان باید از ندای درونی خود آگاه شویم. ندای درونی چیست؟ همان موهبت خدا است، مسیری است که خدا برای شما بر روی زمین انتخاب کرده است. هرگاه کاری می کنیم که ما را مملو از حس اشتیاق می کند، در آن لحظه از سرنوشت خود پیروی می کنیم. اما همه ی ما داور می نداریم تا با رویای خود مواجه شویم.

پرا؟

چهار مانع وجود دارد. اول: از زمان کودکی به همه ما گفته اند که هرکاری که می خواهید انجام دهیم، غیر ممکن است. ما با این ایده بزرگ شدیم و همانطور که سال ها بعدی می شود، لایه های تعصب، ترس و احساس گناه روی هم جمع می شود. زمانی می رسد که ندای درونی ما آن چنان در اعماق روح مان مدفون شده که دیگر قابل مشاهده نیست اما هنوز در همانجا قرار دارد.

اگر برای از خاک درآوردن رویا دلگرمی داشته باشیم، با دومین مانع روبرو می شویم: عشق. ما می دانیم می خواهیم چکاری انجام دهیم اما از این موضوع هراس داریم که با محدود کردن همه چیزها باعث آسیب به اطرافیان خود می شویم تا رویای خود را بدست آوریم. ما مترجم نیستیم که افرادی که قلبا آرزوی خوب برای ما دارند، می خواهند ما خوشحال باشیم و برای همراهی با ما آماده می شوند.

هنگامی که بپذیریم عشق محرک است، با سومین مانع روبرو می شویم: ترس از شکست که در این مسیر خواهیم داشت. ما که برای رویای خود می جنگیم، هنگامی که به نتیجه نمی رسیم، بیشتر رنج میبریم چراکه نمی توانیم به این بهانه ی قدیمی رجوع کنیم که: "خوب من واقعا آن را نمی خواستم". ما کاملا آن را می خواهیم و می دانیم که همه چیز را برسر آن قمار کرده ایم و آنکه مسیر ندای درونی راحت تر از راه های دیگر نیست بجز آنکه تمام قلب مان درگیر این سفر است. سپس ما جنگجویان روشنایی باید آماده شویم تا در سختی ها

صبور باشیم و بدانیم که جهان به نفع ما توطئه می کند حتی اگر ندانیم چگونه.

از خودم میپرسم: آیا شکست خوردن لازم است؟

بسیار خوب، شکست چه لازم باشد یا نه، رخ می دهد. هنگامی که برای اولین بار برای رویای خود می جنگیم، هیچ تجربه ای نداریم و دچار اشتباهات زیادی می شویم. اما رمز زندگی آن است که هفت بار زمین بخوری و هشت بار بلند شوی.

پس اگر قرار است از سایر مردم بیشتر رنج ببریم، چرا باید ندای درونی خود را رنده کنیم؟

زیرا هنگامی که بر شکست ها غلبه کنیم (که همیشه غلبه می کنیم)، با حس عمیقتری از اعتماد و رضایت سرشار خواهیم شد. در سکوت قلب خود می دانیم که خودمان را آماده می کنیم تا شایسته ی معجزه ی زندگی باشیم. هر روز و هر ساعت بخشی از جنگ نیکوی ما محسوب می شود. با رضایت و اشتیاق زندگی را آغاز می کنیم. رنج بیش بینی نشده سریعتر از رنجی میگذرد که ظاهراً قابل تحمل است؛ سال ها سپری می شود و بدون آنکه متوجه شویم، از درون روح مان را می خورد تا هنگامی که یک روز می آید که دیگر نمی توانیم خودمان را از تلخی آن برهانیم و بقیه عمر را آن سپری می کنیم.

ما که رویای خود را از خاک درآوردیم، از نیروی عشق استفاده کردیم تا آن را پرورش دهیم و سالهای بسیاری را با اثر زخم سپری کردیم، ناگهان متوجه می شویم که آنچه همیشه می خواستیم آنجا منتظر ماست و شاید در آینده ای بسیار نزدیک باشد. سپس چهارمین مانع برمی خیزد: ترس از ساخت رویایی که تمام عمر را برای آن جنگیده ایم.

اسکار ویلد اظهار داشته: "انسان چیزی را از بین می برد که آن را دوست دارد". و این سخن صحیح است. احتمال محض رسیدن به آنچه که می خواهیم، روح افراد معمولی را با احساس گناه پر می کند. ما به تمام افراد پیرامون خود نگاه می کنیم که در بدست آوردن خواسته های خود شکست خورده اند و احساس می کنیم که ما نیز شایسته ی بدست آوردن خواسته های خود

نیستیم. تمام موانع پشت سر گذاشته شده، تمام رنج های متحمل شده و تمام چیزهای ازدست رفته برای رسیدن به خواسته های خود را فراموش می کنیم. افراد زیادی را می شناسم که هنگامی که ندای درونی آنها در چنگشان بوده، اشتباهات بسیار احمقانه ای مرتکب شدند و هرگز به اهداف خود نرسیدند درحالی که فقط یک قدم با آن فاصله داشتند.

این خطرناک ترین مانع محسوب می شود زیرا نوعی رایحه مقدس با خود دارد. انکار خوشی و پیروزی. اما اگر برای این باورید که شایسته ی آنچه هستید که برای آن بسیار جنگیده اید، به ابزار خدا تبدیل می شوید، به روح جهان کمک می کنید و متوجه می شوید که چرا اینجا هستید.

پائولو کوئیلو، ریود ژانیرو، نوامبر ۲۰۰۲